Personality

2مى a bit (adv.) (pro.) At first, I was a bit confused. در ابتدا كمى گيج بودم .

🔁 affirmative (adj.)

بخش اول واژگان

Lesson

اظهارنظر مثبت، بله

An affirmative answer

پاسخ مثبت

Balso (adv.) (adv.) (adv.) Be also (adv.) He sings beautifully and also plays the flute and the piano. If the piano for the piano. Advised the piano for the piano for

الا always (adv.) Always lock your bicycle to something secure.

همیشه دوچرخهات را به چیز محکمی قفل کن.



)مهروماه







5 answer (n.) (v.) (v.) Sourt Sourt (n.) (v.) Sourt Sourt Sourt Source (n.) (v.) Source Source (n.) Source Source

٩



زبان انگلیسی نہم

1.

> دیکتهٔ ناقص کلمات را کامل کنید.

2 af_irma__ve 🛛 a_w_ys

1 a_s_er

> با استفاده از کلمههای دادهشده جاهای خالی را پر کنید. (یک کلمه اضافی است.)

abit, answer, also

4 My friend was called Helen.5 I feel better now.

۷۰ با توجه به تعريف كلمهٔ مناسب بنويسيد.

In addition to something else that you have mentioned.

> در هر قسمت گزینهٔ درست را انتخاب کنید.

7 The students answered this question in the
a) correctly
b) affirmative
c) not exactly
d) obviously
a) actually
b) not
b) not
c) always
d) absolutely



بخش اول واژگان

مدرسه school (n.) I'll see you after school.

بعداز مدرسه می بینمت.



کے)مہروماہ

خودخواه selfish (adj.) کودخواه 500 selfish (adj.) Some people are vey selfish. بعضي از مردم خيلي خودخواه هستند.



68 serious (adj.) His voice suddenly became more serious.

ناگهان صدایش جدّیتر شد.







Soldier (n.) سرباز Every government needs brave soldiers.

هر دولتی به سربازهای شجاع نیاز دارد.

3



39

> کلمات بههمریخته را مرتب کنید. shoocl 103 shoocl

107 sloiedr

106 sleifhs

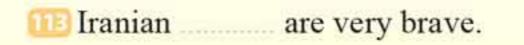
> در هر قسمت گزینهٔ درست را انتخاب کنید.

How can you be so ?
a) soldier
b) crying
c) selfish
d) like
I was very when I was younger.
a) shy
b) clear
d) junk

> برای هر تصویر واژهٔ مناسب بنویسید.



> جای خالی را با دانش خود پر کنید.





بخش اول واژگان

پاسپورت، گذرنامه (۱۹۰۰ passport) You cannot travel to foreign countries without a passport.

ا شما بدون گذرنامه نمی توانید به کشورهای خارجی سفر کنید.



کے) مہروماہ

57 pay toll (w) پرداخت کردن عوارض (w) pay toll (w) Do you like to pay the toll in cash? مایل هستیدعوارض را نقد پرداخت کنید؟



58 Persian (adj.)

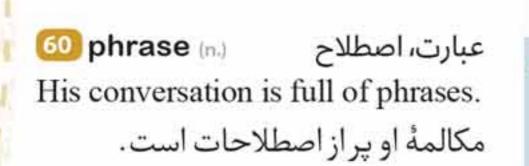
83

فارسی، ایرانی In my eyes it was a Persian carpet. به نظرم آن فرش ایرانی بود.



55 personality (n.) [10] They are the best friends, although they have different personalities. آنها شخصیت های متفاوتی دارند، اگرچه بهترین دوست ها(برای هم) هستند.



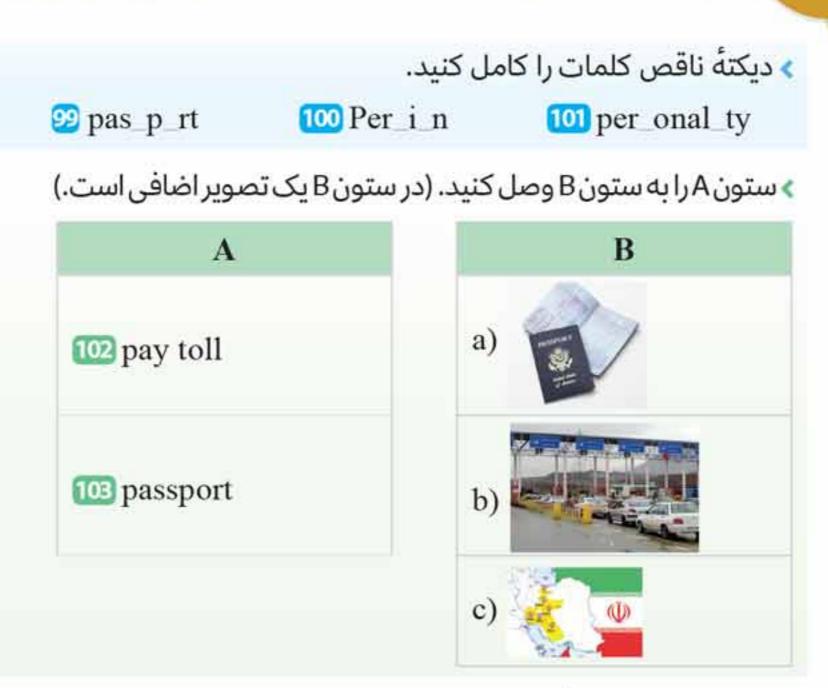


What is a phrase?

 Definition: A phrase is a small group of words that adds meaning to a word.

A phrase is not a sentence because it is not a complete idea with a subject and a predicate.

94



> در هر قسمت گزینهٔ درست را انتخاب کنید.

> جاهای خالی را با دانش خود پر کنید.

European believe that carpet is the best in the world.You can in cash.

Health and Injuries

کے) مہروماہ _ _ _ _ _ _ _ _

تصادف accident (n.) I had an accident yesterday.

بخش اول واژگان

Lesson

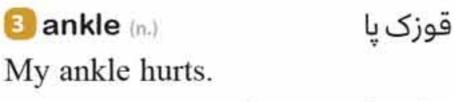
من ديروز تصادف كردم.



iصيحت advice (n.) She gave me some advice.

او مرا کمی نصیحت کرد.





قوزکِ پایم درد میکند.

answer (n.) (v.) (v.) عواب دادن (v.) (v.) What was the answer to question 4?

141

پاسخ سؤال ۴ چه بود؟ هر کسی، کسی anyone (pro.) 🛛 互 Does anyone want a cup of tea? Anyone آیا کسی یک فنجان چای می خواهد؟





171

> دیکتهٔ ناقص کلمات را کامل کنید.
an_one
advi_e

< جای خالی را با دانش خود پر کنید.

4 could win tonight.

1 an_le

5 These are important questions, and we want to them.

6 The joint between your foot and your leg is called

> در هر قسمت گزینهٔ درست را انتخاب کنید.

Over 70,000 people are seriously injured every year in road

a) accidents
b) affirmative
c) amazing
d) obviously
a) actually
b) around
b) around
c) advice
d) ankle











فعلهای to be

فعلهای to be، در زبان انگلیسی شامل am, is, are در زمان حال و was, were در زمان گذشته هستند. البته در این درس ما فقط با am, is, are سروکار داریم که بعد از فاعل قرار می گیرند.

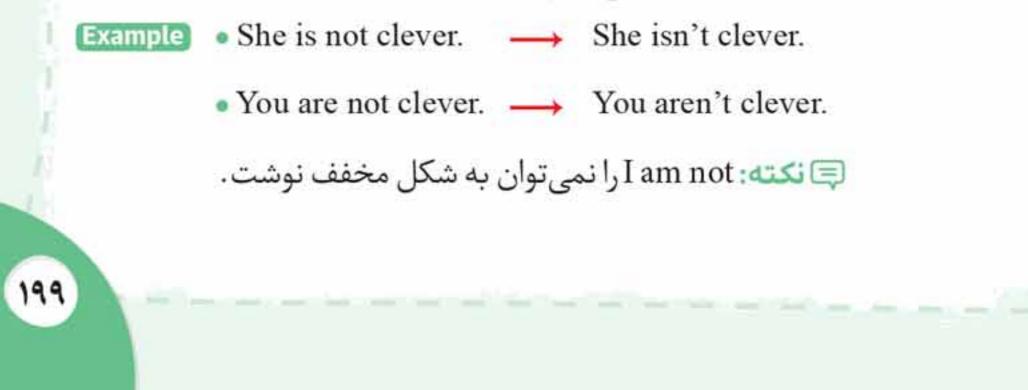
| ضمايرفاعلى | فعل های to be | مثال |
|------------|---------------|--------------------|
| Ι | am | I am a student. |
| You | are | You are a student. |
| He | is | He is a student. |
| She | | She is a student. |
| We | are | We are students. |
| You | | You are students. |
| They | | They are students. |

اگر بخواهیم فعلهای to be را به صورت اختصاری بنویسیم به

شكل زير عمل مىكنيم: She is \longrightarrow She's I am \longrightarrow I'm You are \longrightarrow You're He is \longrightarrow He's They are \longrightarrow They're We are \longrightarrow We're



بەصورت زير عمل مىكنيم:



صفت

۲..

Example • a bad day

- an interesting book
- a beautiful flower

an old man

النكته: اگر اسمى كه مىخواهيم توصيف كنيم مفرد و حرف اول صفت، يكى از حروف صدادار باشد (u,i,o,e,a) از حرف تعريف an و در غير اين صورت از حرف تعريف a استفاده مىكنيم.

Example • He is old.

• They are famous.

There is , There are

این دوعبارت به معنای «وجود داشتن» است، بااین تفاوت که "there is" را

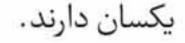
برای اسامی مفرد و "there are" را برای اسامی جمع بهکار میبریم. Example • There is a book in my bag. • There are two books in my bag.

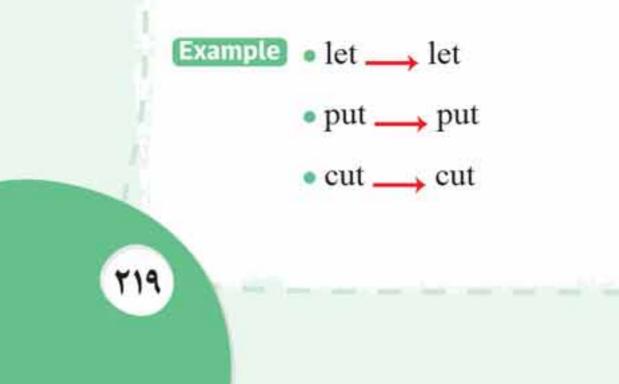


Example • go ____ went

- fall → fell
- begin began

نکته: برخی از فعل های بیقاعده در زمان حال و گذشته شکلی





نحوهٔ سؤالی و منفی کردن

11.

برای سؤالی کردن جمله هایی که فعل بی قاعده دارند از فعل کمکی did استفاده مي كنيم. در هر دو حالت بايد فعل اصلى جمله را به صورت ساده بنويسيم؛ به عبارت ديگر فعل را به زمان اصلى خود برمى گردانيم.

Example

I went to school yesterday.

I didn't go to school yesterday.

Did I go to school yesterday?

🦈 نکته: در جملههای سؤالی با کلمههای پرسشی (Wh Questions) نيز همين قاعده صدق مي كند؛ يعنى بعد از كلمة يرسشي ابتدا فعل كمكي did، سپس فاعل و در ادامه فعل اصلی را قرار می دهیم و مورد سؤال را حذف مىكنيم. فعل جمله را هم به شكل اول (زمان حال ساده) برمى گردانيم.

He went to school yesterday. Example

When did he go to school?

Where did he go yesterday?

ضمایر فاعلی و مفعولی

ضمایر فاعلی ضمایری هستند که به جای اسم می نشینند و از تکرار

آن جلوگیری میکنند. ضمایر مفعولی ضمایری هستند که به جای مفعول در جمله قرار میگیرند.در جملههای خبری ضمایر فاعلی همیشه در ابتدای جمله و قبل از فعل اصلی بهکار میروند. ضمایر مفعولي نيز بعد از فعل آمده و جايگزين مفعول جمله مي شوند.

بخش ۳ پ**اسخ نامه** Answers





درس ۶ advice." ankle. anyone. answer.۴ این سؤال ها مهم هستند و ما می خواهیم به آنها پاسخ بدهیم. △. anyone: هر کسی می توانست امشب برنده شود. ankle ۶: مفصل بین پا و ساق پا قوزک نامیده می شود. ۲.گزینهٔ «a»: هر سال بیش از هفتادهزار نفر به طور جدی در تصادف های جادهای مصدوم می شوند. ٨. گزینهٔ «d»: سارا روی پله ها سُر و قوزک پایش پیچ خورد. bleed.11 break. back.1. ۲. گزینهٔ «C»: او چشمش در دعوا کبود شد. ۲۰.۳ گزینهٔ «a»؛ او از دوچرخهاش افتاد و الان کمی کبودی روی زانویش دارد. ۸۴. گزینهٔ «b»: بینی ات دارد خون می آید. broke.۱۵: قوزک یای او در یک تصادف شکست. burn.1A buy.19 cast.IV burn.۱۹: تخریب شدن یا خسارت دیدن چیزی با آتش. •cast.r احسان پایش در گچ است. buy.۲۱: پول برای خرید تجهیزات مدرسه استفاده خواهد شد. chair.۲۲: او روی صندلی چوبی نشسته بود.

cookie.YF climb. TT clever.Yo C.TY b.19 clever.۲۸: کسی که توانایی یادگیری و فهمیدن سریع چیزها را دارد. cookie.۲۹: یک کیک شیرین کوچکِ نازک.

240

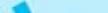
• coat. نیم تنه ای که شما به عنوان بخشی از یک کت و شلوار می پوشید. drive."" door. TT cut. "1 cry.۳۴: در طبقهٔ بالا یک بچه شروع به گریه کرد. cut. ۳۵: آیا می خواهی من کیک را ببرم؟ drive. ۳۶: چه وقت رانندگی کردن یاد گرفتی؟ Excuse me . ۲۷: ببخشید، یک لحظه. من برمی گردم. door. F. drive. "A cut. r9 fall down . Fr hand .FY finger. F1 fire .FA first aid .FF ۸۴۶. گزینهٔ «a»: آن زن حلقه ای در انگشتش داشت. b، گزینهٔ «b»: رضا از پله ها افتاد و پایش شکست. first aid.۴۸: تمیز کردن زخم و گذاشتن باند روی آن نمونهای از کمک های اولیه است. hit . head. F9 hungry . 🛆 🛛 a.ar C.AT hungry .۵۵ head . DF I don't like to see people hitting a dog. ۵۶ ا: من دوست ندارم ببینم مردم یک سگ را می زنند. knee . invite. hurt. ۰۶.گزینهٔ «C»: او با جراحات جدّی در سر، به بیمارستان برده شد.

کے)مہروماہ _ _

۶۹. گزینهٔ «b»: لوسی دور زانویش باندپیچی داشت. just a moment ۶۴ invite ۶۳ hurt ۶۲ hurt ۶۵. hurt ۶۵ نیفتی و به خودت صدمه نزنی. leg ۶۸ park ۶۷ lake ۶۶







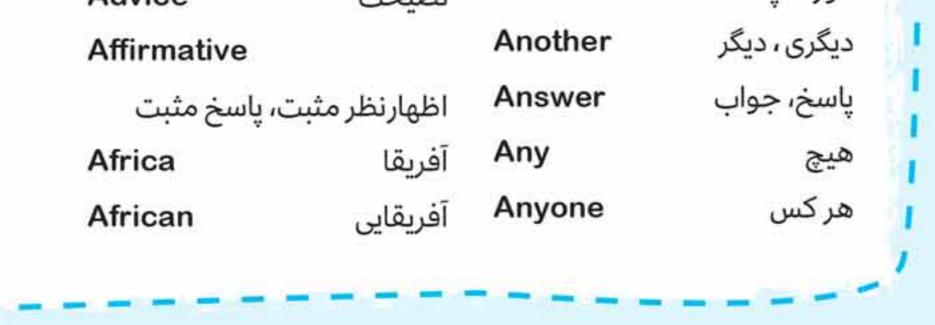




741

واژهنامهٔ الفبایی پایههای هفتم، هشتم و نهم

| the second se | | | the second s |
|---|-------------------|-----------|--|
| Α | | Afternoon | عصر، بعدازظهر |
| A bit | كمى | Again | دوباره |
| A lot | مقدار زیادی | Age | سن |
| A lot of | | Ago | پيش، قبل |
| ار زیادی | تعداد زیادی ، مقد | Air | هوا |
| از ۱۲ نیمهشب تا ۱۲ ظهر a.m. | | Airport | فرودگاه |
| Ability | توانایی | All | همه |
| About | دربارهٔ | All right | بسيار خوب |
| Accident | تصادف | Also | همچنین |
| Account | حساب کاربری | Always | هميشه |
| Act in movie | es | Amazing | |
| بازی کردن در فیلمها | | يركننده | شگفتانگیز، متح |
| Activity | فعاليت | Ambulance | آمبولانس |
| Actually | در واقع، واقعاً | Angry | عصبانى |
| Address | آدرس | Animal | حيوان |
| Advice | نصحت | Ankle | قوزک پا |



<mark>بخش چهارم</mark> واژهنامهٔ الفبایی

1

| 1 | Appearance | ل بار Baggage reclaim ظاهر earance | | تحويلبار aim | |
|-----|---------------|------------------------------------|-------------|----------------|--|
| 1 | Apple | سيب | Bag | کيف | |
| 12 | April | ماہ آوریل | Bake a cake | کیک پختن | |
| 12 | Arabic | زبان عربی | Baker | نانوا | |
| 1 | Around | گرداگرد، اطراف | Banana | موز | |
| 15 | As | به عنوان | Bank | بانک | |
| | Asia | آسيا | Bathroom | حمام | |
| i | Asian | آسیایی | Be going to | | |
| 1 | Ask | سؤال پرسيدن | ی در آینده | قصد انجام کار; | |
| 1 | Ask the infor | mation desk | Be quiet | ساکت باشید | |
| | لاعات | پرسیدن از میز اطا | Beautiful | زيبا | |
| | Atfirst | در ابتدا | Bedroom | اتاق خواب | |
| i. | Attend | شركت كردن | Before | قبلاً، قبل از | |
| 1 | August | ماہ اوت | Beginning | آغاز | |
| 1 | زنعمو Aunt | عمه، خاله، زندایی، | Below | زير | |
| | Australia | استراليا | Belt | كمربند | |
| - î | Australian | استرالیایی | Bench | نيمكت | |
| - 1 | В | | Best | بهترين | |
| | Back | برگشت | Big | بزرگ | |
| | Back | کمر | Birth | تولد | |
| i | Backache | كمردرد | Birthday | روز تولد | |
| -1 | Backpack | كولەپشتى | Black | سياه | |
| 749 | | | | | |

- الله مهروماه _ _

| Black board | تختهسياه |
|--------------------|-------------|
| Black eye | چشم کبود |
| Blanket | پتو |
| Bleed | خون آمدن |
| Blog | وبلاگ |
| Blue | آبی |
| ه هواپيما Boarding | وارد شدن به |
| Booking a room | رزرو اتاق |
| Book | كتاب |
| ی Bookstore | كتابفروش |
| ، زاییده Born | متولدشده |
| Boulevard | بلوار |
| Воу | پسر |
| Brave | شجاع |
| Brazil | برزيل |
| Brazilian | برزيلى |
| Bread | نان |

| Brother | برادر | | |
|--------------------|---------------------|--|--|
| Brown | قهوهای | | |
| Browsing the | e internet | | |
| ىترنت | گشتوگذار در اینترنت | | |
| Bruise | کوفتگی، کبودی | | |
| Building | ساختمان | | |
| Burn | سوزاندن | | |
| Bus | اتوبوس | | |
| Bus station | ایستگاه اتوبوس | | |
| Busy | مشغول | | |
| Buy | خريدن | | |
| Buying a tick | خريد بليط et | | |
| Bye | خداحافظ | | |
| C | | | |
| Cake | کیک | | |
| ردن، Call | زنگ زدن ، صدا ک | | |
| | تماس گرفتن | | |
| Camputer | رايانه، كامبيمتر | | |

10.

